

انديشه‌هاي نوين تربيتي

دانشكده علوم تربيتي و روان‌شناسي

دانشگاه الزهراء

تاريخ دريافت: ۸۸/۸/۶

تاريخ بررسي: ۸۸/۱۲/۱۲

دوره ۷، شماره ۴

زمستان ۱۳۹۰

صص ۳۴-۹

تاريخ پذيرش: ۹۱/۱/۲۵

بررسی مقایسه‌ای محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با مجله‌های فارسی کودکان در میزان

پرداخت به نمادهای ایرانی

روابزار*، نماذغلامی**

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی مقایسه‌ای محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و مجله‌های فارسی کودکان در میزان پرداخت به نمادهای ایرانی بود. جامعه آماری کلیه کتاب‌های درسی این دوره و مجله‌های فارسی کودکان منتشره در سال ۱۳۸۶ بود. با توجه به نتایج پژوهش میزان توجه کتاب‌ها به نمادهای ایرانی به ترتیب فراوانی: تعلیمات اجتماعی، فارسی، ریاضی، تعلیمات دینی و علوم بود، در حالی که این میزان در مجله‌ها به ترتیب فراوانی: دوست کودکان، سروش، پوپک، رشد نوآموز، رشد دانش آموز، ملیکا، شاهد، سه چرخه، رشد کودک و کوشش بود. رتبه‌بندی نمادهای ایرانی در کتاب‌های درسی عبارت از جغرافیای ایران، علایم رسمی ایران، شخصیت‌های ایرانی، فرهنگ ایرانی، ادبیات ایرانی، تاریخ ایران و هنرهای ایرانی بود. در مجموع سهم نمادهای ایرانی در مجله‌ها به ترتیب فراوانی عبارت از: جغرافیای ایران، شخصیت‌های ایرانی، فرهنگ ایرانی، ادبیات ایرانی، علایم رسمی ایران، تاریخ ایران و هنرهای ایرانی بود.

کلید واژه‌ها:

ایران، بررسی محتوا، مدرسه ابتدایی، کتاب‌های درسی، نمادها، مجله‌های کودکان

* دانشیار، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران

** کارشناس ارشد، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء (س)،

Email: gholami852@gmail.com

تهران، ایران



مقدمه و بیان مسأله

تمدن ایرانی، مدنی است که در سرزمینی به نام ایران و در میان ملتی به همین نام شکل گرفته و تداوم یافته است. تاریخی طولانی و تجربه آفرین، اسطوره‌های پر رمز و راز، جایگاه جغرافیایی و ارتباطی کم نظیر و گنجینه‌ای گرانمایه از هنر و ادب و میراث فرهنگی، همگی اجزای مکمل و سازنده‌ای در مسیر شکل بخشیدن به یک تمدن غنی به شمار می‌آیند.

جامعه ایرانی نیز با میراثی غنی از مؤلفه‌های تمدن ساز، ویژگی‌های ممتاز و بی‌بدیل و عناصر احیاء شونده، از توانمندی دستیابی به نقش و جایگاه واقعی خود در پویش تاریخ بی‌بهره نیست و ویژگی‌های تمدن ایرانی، کارایی بازسازی آن را فراهم ساخته است (مدیر شانه‌چینی، ۱۳۸۰).

ما می‌توانیم به کمک نمادها نه تنها گروه‌ها را به صورت عینی نشان دهیم، بلکه قادر هستیم احساسات، تعلقات و همبستگی بین اعضای آن‌ها را نیز برانگیزیم و حفظ کنیم؛ چرا که گروه‌ها کلیت‌های مجردی هستند که از طریق نمادها نشان می‌دهند چه کسی به آن‌ها تعلق دارد یا این که اگر می‌خواهند جزء این گروه باشند، چگونه باید رفتار کنند. این امر در مورد گروه‌های قومی و نژادی به صورت نمادهای پرچم، نشان‌ها، سرود ملی، رنگ معین، شخصیت‌های اسطوره‌ای، قهرمانان ملی و ... نمود پیدا می‌کند (روشه، ۱۳۶۷).

در این میان نمادها، ارتباطات و اسطوره‌ها نقش حساسی دارند. جغرافیا، سرزمین مشترک، تاریخ، آیین، فرصت‌ها، تهدیدهای مشترک و چهره‌های بزرگ از جمله مواردی هستند که می‌توان به آن‌ها توجه اساسی نمود (احمدی، ۱۳۸۳).

کودکان و نوجوانان ما آینده‌سازانی هستند که برای اعتلای این سرزمین از سوی بزرگترها مورد تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند. از این رو گفته شده است که یکی از راه‌های شناخت یک ملت می‌تواند این باشد که ببینیم به کودکان خود چه می‌گویند (بهاء‌لو، ۱۳۸۷).

بی‌شک نظام آموزش و پرورش ایران، مهم‌ترین نهاد رسمی است که در کنار خانواده عهده‌دار تعلیم و تربیت کودکان دوره پیش دبستانی تا پایان دوره دبیرستانی است (ایمانی و مظفر، ۱۳۸۳).

با توجه به حساس بودن دوران کودکی به لحاظ شکل‌گیری شخصیت انسان در این سنین، نقش ویژه کتاب‌های درسی به دلیل قابلیت تدریس ارزش‌های اجتماعی و عادات مطلوب قابل توجه است (شیخاوندی، ۱۳۸۲)؛ چرا که کودکان ما در دوره ابتدایی برای اولین بار به طور رسمی

و مستمر به اجتماع وارد می‌شوند و در معرض آموزش رسمی قرار می‌گیرند (محمدی، ۱۳۸۵).
آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به مواردی همچون؛ علاقه‌مند کردن کودک به ارزش‌ها و آداب و رسوم اسلامی و میهنی و احترام گذاشتن به آن‌ها، تأکید بر هنرهای بومی و شناساندن نظام جمهوری اسلامی، پرچم و سرود ملی کشور به دانش‌آموز توجه دارد و پیش‌بینی شده است که برنامه‌های درسی باید با توجه به اصولی همچون شرایط محلی و مقتضیات منطقه‌ای و هماهنگی با ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی و میراث فرهنگی باشد (صافی، ۱۳۸۶).

با این حال دوران کودکی زمان نقش‌بندی صفت‌ها و عادت‌ها است و در جامعه امروزی هر فردی نیاز دارد که به موازات آن چه در برنامه درسی مدرسه به او آموخته می‌شود در زمینه مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تفریح و سرگرمی، ادبیات و هنر و ... دانش کافی به دست آورد. بسیاری از این گونه آگاهی‌ها جز از راه مطالعه به دست نمی‌آید؛ چرا که نمی‌توان آن‌ها را یک جا و در ساعات محدود مدارس به دست آورد (جهانشاهی، ۱۳۸۴).
پس باید کوشش شود که از بهترین امکانات و روش‌ها برای استمرار تعلیم و تربیت کودکان در این سنین استفاده کرد.

پیوندی که میان کتاب و مطبوعات وجود دارد، پیوندی ریشه‌دار و قدیمی است و این دو رسانه و محمل فرهنگی، از دیرباز تعامل فرهنگی داشته‌اند و در ترویج، تبلیغ، ثبت و نقد دیگری کوشیده‌اند (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۰).

تاکنون از نشریه‌های ادواری به عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های جمعی که تأثیر زیادی در تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع دارند، یاد شده است (فتاحی، منصوریان و ارسطوپور، ۱۳۸۵).
به طوری که امروزه "مصرف رسانه مطبوعات" به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ای کشورها مطرح می‌شود (نادران و عبدی، ۱۳۸۰).

در اهداف دوره ابتدایی در نظام آموزش و پرورش ایران موارد زیر به چشم می‌خورد (نوروزی و صالحی، ۱۳۸۲).

۱. خدمت کردن به میهن و مردم خود را دوست دارد.
۲. نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌شناسد و به پرچم کشور خود احترام می‌گذارد و سرود ملی را حفظ می‌کند.

۳. با زندگی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آشنا است و از او به بزرگی یاد می‌کند.
۴. به حکومت دینی و ولایت فقیه علاقه‌مند است.
۵. مسلمانان را دوست دارد و نسبت به امور آنان بی‌تفاوت نیست.
۶. اقوام مختلف ایرانی را می‌شناسد و با آنان احساس همبستگی می‌کند.
۷. با مفهوم وحدت و امنیت ملی آشنا است.
۸. در حفظ اموال عمومی به عنوان ثروت ملی می‌کوشد و در استفاده از آن‌ها درست عمل می‌کند.

- در مقابل، اهداف مجله‌های ویژه کودکان و نوجوانان در ۶ طبقه زیر قابل تقسیم‌بندی است؛
۱. تکمیل و تقویت آموزش‌های رسمی
 ۲. ارتقای دانش عمومی و مهارت‌های زندگی
 ۳. تقویت همبستگی اجتماعی و هویت دینی و ملی
 ۴. شناسایی، رشد و پرورش استعداد، ابتکار، خلاقیت و ذوق و سلیقه فرهنگی و هنری مخاطبان
 ۵. تفریح و سرگرمی و تقویت احساس نشاط و امید
 ۶. تسهیل ارتباطات فکری و فرهنگی و کمک به تبادل تجارب (مجذفر، ۱۳۸۲).
- بنابراین از وظایف مجله‌ها، برقراری ارتباط اجتماعی و فرهنگی بین اقشار مختلف کودکان است و انتظار می‌رود که آئینه شرایط زمان و مکان خود باشند. این انعکاس به معنای طرح واقعیت‌ها، بدون گرفتار آمدن در قیده‌های فرهنگی و اجتماعی است؛ چرا که وابسته شدن مجله‌های کودکان به جریان‌های ثابت و مقطعی فرهنگی و حتی سیاسی، آن‌ها را به نگرش یک سویه از وقایع سوق می‌دهد (حسین‌زاده، ۱۳۷۰).

مجله‌ها با ویژگی‌های خاصی که دارند مانند انتشار مداوم و مستمر، دو سویه بودن جریان رفت و برگشت پیام، جذابیت‌های ظاهری، قیمت مناسب، داشتن زمینه‌های مختلف موضوعی، استفاده از امکاناتی چون عکس و تصویر، مصاحبه، خبر، جدول و سرگرمی، همچنین نگاه سرگرم‌کننده‌ای که در تمام صفحات نشریه دنبال می‌شود، می‌توانند یک منبع کمک آموزشی جذاب و مفید برای کودکان باشند.

از این رو، بررسی میزان حضور نمادهای ایرانی در رسانه‌های فرهنگی مانند مجله‌ها با جاذبه‌های بالا و خاص خود، در کنار کتاب‌های درسی که مهم‌ترین منبع برای انتقال دانش

عمومی، فرهنگ‌ها، هنجارها، عادات مختلف، فن‌آوری‌های لازم برای زندگی و شغل آینده و ارتقای سطوح دینی و اعتقادی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند (نظری، ۱۳۸۳)؛ علاوه بر این که تصویری عینی از شرایط موجود و وضعیت معرفی کشور ایران به دانش‌آموزان دوره ابتدایی ارائه می‌دهد، می‌تواند در ایجاد دیدگاهی جامع نسبت به معرفی هویت ایرانی، افزایش حس میهن دوستی، وحدت و همبستگی ملی با هم‌میهنان در کودکان نقش مؤثری را ایفا کند و نشان دهد مسئولان تهیه و تألیف کتاب‌های درسی، ناشران و مؤلفان و دست‌اندرکاران نشر مجله‌ها جهت آموزش فرهنگ، آداب و رسوم ایرانی، تقویت و بالا بردن سطح آگاهی کودکان این سرزمین نسبت به نمادهای ایرانی، به چه میزان تلاش کرده‌اند و چه میزان از این مؤلفه‌ها را به طور متوازن در هر دو منبع استفاده کرده‌اند و آیا تعامل و هم‌سویی لازم میان این دو بخش آموزش رسمی و غیر رسمی کشور وجود دارد یا خیر؟ تا از این رهگذر امکان استفاده و برنامه‌ریزی دقیق و مناسب این امر برای متولیان ایجاد شود.

بر همین اساس سعی شده است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود؛

۱. به چه میزان محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی (منتشر شده در سال ۱۳۸۶) به نمادهای ایرانی پرداخته است؟
۲. به چه میزان محتوای مجله‌های فارسی کودکان (منتشر شده در سال ۱۳۸۶) به نمادهای ایرانی پرداخته است؟
۳. میزان پرداخت کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به نمادهای ایرانی در مقایسه با مجله‌های فارسی کودکان چگونه است؟

جامعه آماری

جامعه آماری مورد پژوهش کتاب‌های درسی دوره ابتدایی کشور جمهوری اسلامی ایران (منتشر شده در سال ۱۳۸۶)، شامل ۳۵ کتاب در ۵ موضوع [ریاضی، فارسی (بخوانیم- بنویسیم)، علوم، تعلیمات اجتماعی (تاریخ، جغرافی، مدنی) و تعلیمات دینی (آموزش قرآن، هدیه‌های آسمانی)] بود. مجله‌های فارسی کودکان (منتشر شده در سال ۱۳۸۶) نیز عبارت از هفته‌نامه دوست کودکان و ماهنامه‌های پوپک، رشد کودک، رشد نوآموز، رشد دانش‌آموز، سروش، سه چرخه (ضمیمه روزنامه همشهری)، شاهد، ملیکا و فصلنامه کوشش بود.



روش پژوهش

هر محقق درصدد پاسخ دادن به تعدادی سؤال پژوهشی یا بررسی درستی یا نادرستی یک یا چند فرضیه پژوهشی است. در روش‌شناسی، روش‌ها و فنون متفاوتی برای رسیدن به این هدف وجود دارد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۰). این تحقیق از نوع توصیفی و کاربردی بود و روش تحلیل محتوا، برای بررسی منابع به کار گرفته شد.

روش تحلیل محتوا یکی از روش‌هایی است که در دهه اخیر به شدت رو به گسترش بوده است. این روش فنی برای بیان سازمان‌یافته ذهنی توأم با توصیف کمی جهت آشکار کردن محتوای پیام در ارتباطات به شمار آمده است (درانی، ۱۳۷۴) و به منظور شناسایی منظم و عینی پیام‌های آموزشی معین و خصوصیات یا ویژگی‌های آن‌ها و در نهایت دلالت ضمنی و استنباط آن‌ها به کار می‌رود (هولستی، ۱۹۶۹).

در تعریف دیگر، تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی برای استنباط و تکرارپذیری و تکنیکی معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها است (کریپندروف، ۱۳۸۳).

پس تحلیل محتوا، یعنی بررسی عمیق داده‌های جمع‌آوری شده که در تمامی رشته‌های علوم انسانی حتی در ادبیات نیز کاربرد دارد و می‌تواند رابطه متغیرها و شبکه ارتباطات را نه در سطح، بلکه در عمق مشاهده و بررسی کند (باردن، ۱۹۸۳).

در این پژوهش مضامین مرتبط با نمادهای ایرانی به متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و مجله‌های فارسی کودکان یعنی کلمات، جملات، عبارات، پاراگراف‌ها و تصاویر تعلق دارند و هدف از مطالعه آن‌ها، بررسی پیام‌هایی است که کودکان در ارتباط با نمادهای ایرانی از سوی نویسندگان و تهیه‌کنندگان این دو منبع دریافت می‌کنند.

شیوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای تحلیل محتوا مراحل مختلفی مانند؛ ۱. مرحله قبل از تحلیل (آماده‌سازی و سازماندهی)، ۲. بررسی مواد (پیام) و ۳. پردازش نتایج طی می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۰).
با توجه به نکات یاد شده، کانون توجه این تحقیق بر مرحله سوم تحلیل محتوا، یعنی پردازش داده‌های جمع‌آوری شده از پیام است. یعنی پس از رمزگذاری پیام و مقوله‌بندی آن، باید اطلاعات به دست آمده را تحلیل کرد. امروزه فنون بسیاری در این خصوص ارایه شده است که اساس آن‌ها بر درصددگیری از فراوانی مقوله‌ها است.

به این صورت که تک تک یافته‌ها در واحدهای ثبت مرتبط جای گرفته اند و چندین واحد ثبت مرتبط با یکدیگر در یک مقوله جای داده شدند. در نهایت تمامی مقوله‌ها و واحدهای ثبت با استفاده از اصطلاح‌نامه‌های اصفا، اصطلاح‌نامه بین‌المللی توسعه فرهنگی یونسکو و رده‌بندی دهدهی دیویی مستند شدند، که عبارت از موارد زیر می‌باشند؛
مقوله "ادبیات ایرانی" شامل آثار ادبی (ضرب‌المثل، چیستان، داستان، شعر، حکایت و ...)،
اسطوره‌ها و ادبیات محلی.

مقوله "تاریخ ایران" شامل ابنیه تاریخی، اشیای تاریخی و دوره‌های تاریخی.
مقوله "جغرافیای ایران" شامل جغرافیای طبیعی (کوه‌ها، دریاچه‌ها، دشت‌ها و ...)،
جغرافیای اقتصادی و جغرافیای سیاسی (تقسیمات کشوری، نقشه سیاسی کشور و ...)،
مقوله "شخصیت‌های ایرانی" شامل شخصیت‌های ادبی، شخصیت‌های سیاسی،
شخصیت‌های علمی، شخصیت‌های ورزشی و قهرمانان ملی و میهنی.
مقوله "علائم رسمی ایران" شامل پرچم ایران، پول رایج کشور، تقویم رسمی کشور،
سرود ملی ایران و وزن‌ها و اندازه‌ها.
مقوله "فرهنگ ایرانی" شامل باورهای عامه، پوشش ایرانی، رسم و رسومات ایرانی،
سوغات ایرانی و غذاهای ایرانی.
مقوله "هنرهای ایرانی" شامل هنرهای تجسمی، هنرهای دستی، هنرهای گرافیکی و نقاشی
و موسیقی ایرانی.

به این ترتیب هر اشاره به ایران و نمادهای آن یادداشت برداری شد و تمامی یافته‌ها بر اساس پرسش‌های مطرح شده در قالب جداولی قرار داده شد. سپس یافته‌های هر یک از جدول‌ها به تفکیک و بر مبنای ویژگی‌های روش تحلیل محتوا، در بخش تحلیل توصیفی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسل و بهره‌گیری از فراوانی، درصد، رتبه‌بندی و همچنین جداول توصیفی تحلیل شدند.

پیشینه پژوهش در ایران

مطالعات انجام گرفته بیانگر این واقعیت است که تاکنون به طور مشخص تحقیقی در زمینه بررسی حضور نمادهای ایرانی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و مجله‌های فارسی کودکان در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی انجام نگرفته است، اما به تحقیقاتی که به نوعی مرتبط با



موضوع مورد پژوهش بودند در ذیل اشاره می‌شود.

صادق‌زاده (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی پرداخت و به این نتیجه رسید که کتاب‌های درسی مورد بررسی به صورت ناقص و گذرا به آموزش هویت ملی پرداخته‌اند. همچنین برخی نمادهای هویت ملی در میان دروس و صفحات و تصاویر کتاب‌های درسی مورد مطالعه واقع نشده است.

صالحی عمران (۱۳۸۶) در پژوهش "بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی" به این نتیجه رسیده است که در کتاب‌های درسی فوق، به مقوله‌های هویت ملی و نمادهای آن و تقویت حس تعلق ملی یا به طور ناقص توجه شده است و یا هیچ توجهی نشده است.

بهاء‌لو (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه الزهراء (س) با عنوان "بررسی جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی رشته‌های ریاضی و فیزیک و علوم تجربی"، آگاهی بر هویت ملی را شناختی می‌داند که در افراد میل به تلاش، پویایی و فداکاری را ایجاد می‌کند. پژوهش او که به روش تحلیل محتوا صورت گرفت، نشان داد که کتاب‌های مورد نظر به صورت کم‌رنگ و گذرا به مقوله هویت ملی پرداخته‌اند. چنان که به برخی نمادهای هویت ملی اصلاً توجه نشده است و در برخی کتاب‌های تخصصی هیچ گونه نماد ملی وجود ندارد. همچنین بین کتاب‌های درسی عمومی و کتاب‌های اختصاصی از لحاظ توجه به مؤلفه‌های هویت ملی تفاوت‌هایی وجود دارد. بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش اعلام کرد که در کتاب‌های درسی دو رشته فوق، توجه متعادلی دیده نشده است و هویت ملی در این کتاب‌ها جایگاه مطلوب و قابل توجهی ندارد.

ماهوتچیان (۱۳۵۳) در تحقیقی با عنوان "سیری در مجله‌های کودکان ایران" به بررسی مجله‌های موجود برای کودکان ایرانی و آگاهی از میزان علاقه کودکان تهرانی به مجله‌های کودک و آشنایی و علاقه‌مندی آن‌ها به مطالب مجله‌ها پرداخت. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن بود که اگر چه مجله‌های کودکان در ایران تاریخچه بسیار کهن ندارد، ولی دنیای مطبوعات ما در آن سال‌ها (۱۳۵۳) همیشه کودکان را در نظر داشته‌اند و کمبود امکانات مالی و مسایل اداری تا حد زیادی پیشرفت سردبیران و مدیران مسؤول مجله‌های غیر تجاری کودکان را کند کرده است. کودکان دبستانی در انتخاب مجله موفق بوده‌اند و اغلب بهترین را می‌خواندند.

حسین نیا (۱۳۷۶) در پژوهشی دیگر وضعیت مجلات فارسی برای کودکان پیش دبستانی و دبستانی در ده سال ۷۴-۱۳۶۵ در ایران را با روش تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا بررسی کرد. نتایج بررسی مبین آن بود که تصویر و داستان با حجمی بیش از ۳۰ درصد، بیشترین حجم مجله‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. دانستنی‌ها با اختلاف زیاد با ۱۶/۷۹ درصد بعد از این دو قرار گرفته بود. مطالب سرگرمی‌ها، آثار ارسالی کودکان، سرگذشت‌نامه‌ها، عکس، متفرقه، شعر، اخبار، خاطرات، رویدادهای تاریخی و ارتباط با خوانندگان به ترتیب بعد از دانستنی‌ها قرار گرفته بودند. ارتباط با خوانندگان کمتر از ۱ درصد از حجم مجله‌ها را به خود اختصاص داده بود که تفاوت حجم این مطالب با داستان ۳۲/۵۶ درصد بود.

از سوی دیگر نتایج این پژوهش، نشانگر ناشناس ماندن نقش مطبوعاتی نشریات بوده است. نداشتن برنامه‌های منظم به منظور ایجاد تعادل در تنوع مطالب، برای دست اندرکاران تهیه و تولید نشریات کودکان و عدم آشنایی پدید آورندگان مطالب برای نشریات کودکان از دیگر نتایج این پژوهش بود.

زمانی (۱۳۷۰) در پژوهش "بررسی روند ترجمه در نشریات کودکان و نوجوانان ایران در طول پنج ساله دوم توسعه (۷۷-۱۳۷۳)" چگونگی انتخاب موضوع و میزان درج مطالب ترجمه شده در نشریات حوزه ادبیات و برای کودکان و نوجوانان ایران در طول برنامه پنج ساله دوم توسعه را مورد بررسی قرار داده بود و با جمع‌آوری داده‌های مربوط به شناخت و کشف مواد خواندنی مورد علاقه کودکان و نوجوانان نشان داد که اکثر مجله‌ها مطلب ترجمه‌ای داشته‌اند و میانگین وجود ترجمه در این مجله‌ها ۴۵/۷ درصد بود. اکثر مجله‌ها پایبند به ذکر نام نویسندگان اصلی مطالب، نام منبع و نام کشور نبوده‌اند.

پیشینه در خارج از کشور

سیری واردنا (۲۰۰۲) در کشور سریلانکا به بررسی جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی پرداخت. او در این پژوهش نشان داده است، همه کتاب‌های درسی این کشور به ویژه تاریخ به جای پرداختن به هویت ملی یکدست و یکپارچه، بر اساس تمایزات قومی و در برخی موارد برتری قومی به خصوص اقوامی مثل سین هالا و تامیل نادوا تهیه شده است.

لی (۲۰۰۳) مطالعه‌ای در کره انجام داد. وی در این پژوهش به رابطه بین آموزش و هویت ملی پرداخت. در این تحقیق مشخص شده که کشورهای مختلف دنیا از جمله کره مایل هستند

از طریق آموزش اجباری زمینه را برای مردم خود مهیا کند تا مردم مثل خود زندگی کنند. هدف آموزش اجباری نیز یکدست کردن مردمشان و در نتیجه ایجاد هویت ملی بین افراد است. هیو جونگ (۲۰۰۴) در مقاله خود به بررسی هویت ملی در برنامه درسی کره که در مدت نیم قرن تکمیل شده است، پرداخت. به گفته او مفهوم هویت ملی در برنامه درسی کره از سال ۱۹۵۵ که برای اولین بار ارائه شد، تاکنون هفت بار مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته است. وی با مروری بر برنامه‌های درسی اصلاح شده نشان داد که تغییرات در هر مرحله، دیدگاه‌های بسیار متفاوتی را نسبت به دوره قبل نشان می‌دهند. در واقع پژوهشگر نشان می‌دهد که مفهوم هویت ملی مفهومی سیال و همواره در حال تغییر است.

جکسون (۲۰۰۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر برنامه درسی تاریخ بر هویت ملی دانش‌آموزان آمریکایی مهاجر پرداخت. او در این پژوهش که از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاری و گزارش‌های شفاهی و کتبی با معلمان و دانش‌آموزان انجام داده بود، به این نتیجه رسید که آن‌ها تمایل دارند روش اجرای همزمان وقایع تاریخی را از طریق گروه‌بندی دانش‌آموزان و بحث پیرامون این وقایع که او پیشنهاد می‌کند، در کلاس درس انجام دهند. به نظر جکسون برنامه درسی تاریخ و این شیوه تدریس می‌تواند فرصتی باشد برای این که بچه‌ها هویت ملی خود را درک کنند و خودشان در فرایند هویت‌سازی شرکت کنند و تعلق به هویت ملی را خود تجربه و احساس کنند.

از بررسی پیشینه‌ها این طور بر آمد که کتاب‌های درسی و مجله‌ها از جنبه‌های مختلف و به شیوه تحلیل محتوا بارها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و موضوع هویت ملی در کتاب‌های درسی مورد توجه پژوهشگران بوده است. اما کتاب‌های درسی و مجله‌ها به طور مشخص از نظر بررسی میزان توجه به نمادهای ایرانی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و پیشینه‌ای در این مورد یافت نشد.

یافته‌های پژوهش

در این بررسی تمام کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و مجله‌های کودکان در ۷ مقوله اصلی تحقیق (ادبیات ایرانی، تاریخ ایران، جغرافیای ایران، شخصیت‌های ایرانی، علائم رسمی ایران، فرهنگ ایرانی و هنرهای ایرانی) بررسی و تحلیل شد.

نتایج بررسی نشان داد، در مجموع در کتاب‌ها ۳۲۹۹ و در مجله‌ها ۱۱۰۴۲ مرتبه به نمادهای ایرانی اشاره شده است. فراوانی و درصد حضور نمادها در قالب جداول ۴-۱ ارائه شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی کلیه مقوله‌ها در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

کتاب‌های درسی	فراوانی	درصد فراوانی	
۱	تعلیمات اجتماعی	۱۴۹۲	۴۵/۲
۲	تعلیمات دینی	۱۳۰	۳/۹
۳	ریاضی	۲۹۶	۹
۴	علوم	۱۰۷	۳/۲
۵	فارسی	۱۲۷۴	۳۸/۶
	جمع	۳۲۹۹	۱۰۰

جدول ۲: توزیع فراوانی کلیه مقوله‌ها در مجله‌های فارسی کودکان

نام مجله	فراوانی	درصد فراوانی	
۱	پوپک	۱۰۹۱	۹/۹
۲	دوست کودکان	۴۰۴۱	۳۶/۶
۳	رشد کودک	۳۲۷	۳
۴	رشد نوآموز	۱۰۴۶	۹/۵
۵	رشد دانش‌آموز	۹۵۰	۸/۶
۶	سروش	۱۸۶۶	۱۶/۹
۷	سه چرخه	۳۳۳	۳
۸	شاهد	۴۷۳	۴/۳
۹	کوشش	۲۷۲	۲/۵
۱۰	ملیکا	۶۴۳	۵/۸
۱۱	جمع	۱۱۰۴۲	۱۰۰

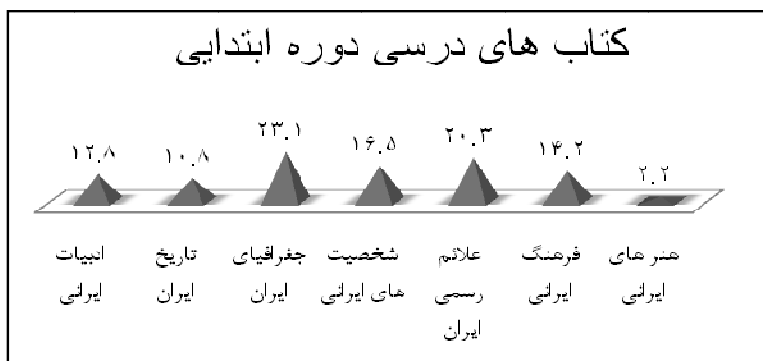
جدول ۳: توزیع فراوانی مقوله‌ها در کلیه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

مقوله‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	
۱	ادبیات ایرانی	۴۲۱	۱۲/۸
۲	تاریخ ایران	۳۵۶	۱۰/۸
۳	جغرافیای ایران	۷۶۳	۲۳/۱
۴	شخصیت‌های ایرانی	۵۴۵	۱۶/۵
۵	علائم رسمی ایران	۶۷۰	۲۰/۳
۶	فرهنگ ایرانی	۴۷۰	۱۴/۲
۷	هنرهای ایرانی	۷۴	۲/۲
	جمع	۳۲۹۹	۱۰۰

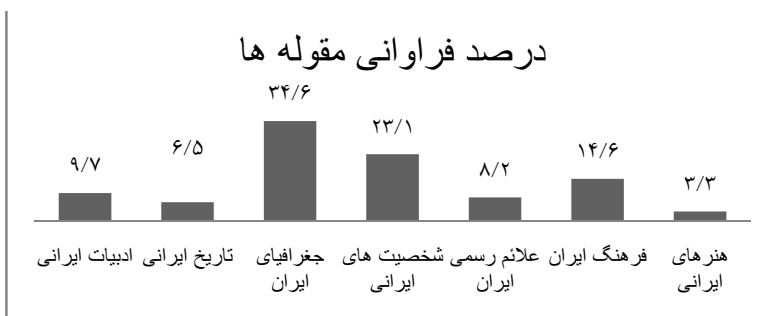


جدول ۴: توزیع فراوانی مقوله‌ها در مجله‌های فارسی

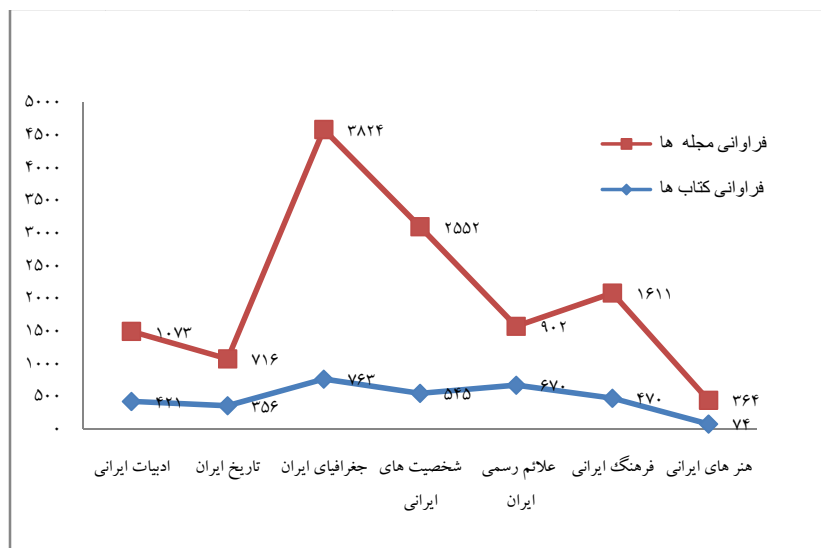
مقوله‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
۱ ادبیات ایرانی	۱۰۷۳	۹/۷
۲ تاریخ ایران	۷۱۶	۶/۵
۳ جغرافیای ایران	۲۸۲۴	۳۴/۶
۴ شخصیت‌های ایرانی	۲۵۵۲	۲۳/۱
۵ علائم رسمی ایران	۹۰۲	۸/۲
۶ فرهنگ ایرانی	۱۶۱۱	۱۴/۶
۷ هنرهای ایرانی	۳۶۴	۳/۳
جمع	۱۱۰۴۲	۱۰۰



نمودار ۱: توزیع درصد فراوانی مقوله‌ها در کلیه کتاب‌های دوره ابتدایی



نمودار ۲: توزیع درصد فراوانی مقوله‌ها در کلیه مجله‌های فارسی



نمودار ۳: فراوانی مقوله‌ها در کتاب‌های درسی و مجله‌های فارسی کودکان

تحلیل داده‌ها

در این بخش، با استفاده از تحلیل داده‌ها، به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده می‌شود.

۱. به چه میزان محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی (منتشر شده در سال ۱۳۸۶) به نمادهای ایرانی پرداخته است؟

به این پرسش در دو بخش سهم کلی هر یک از نمادها به ترتیب فراوانی و محتوای همه کتاب‌ها از نظر موضوعی پاسخ داده می‌شود.

نتایج حاصل از بررسی فراوانی نمادهای ایرانی در کتاب‌ها با توجه به یافته‌های موجود در جدول ۳ نشان می‌دهد که مقوله "جغرافیای ایران" با ۷۶۳ مورد فراوانی (۲۳/۱ درصد) در معرفی نمادهای ایرانی بیشترین سهم را داشت. بیشترین حضور این مقوله در بین کتاب‌های درسی مربوط به تعلیمات اجتماعی و کمترین حضور در تعلیمات دینی بود.

مقوله "علائم رسمی ایران" با ۶۷۰ مورد فراوانی (۲۰/۳ درصد)، رتبه دوم را در معرفی نمادهای ایرانی داشت. تعلیمات اجتماعی بیشترین و تعلیمات دینی همچنان کمترین توجه را نشان داده بود.

مقاله "شخصیت‌های ایرانی" با فراوانی ۵۴۵ مورد (۱۶/۵ درصد)، رتبه سوم را در بین هفت مقاله به خود اختصاص داده بود. کتاب‌های فارسی شاهد حضور پررنگ‌تر این نمادها بود و علوم رتبه آخر را داشت.

مقاله "فرهنگ ایرانی" با فراوانی ۴۷۰ مورد (۱۴/۲ درصد)، رتبه چهارم را در معرفی ایران به کودکان ما داشته است. کتاب‌های فارسی در معرفی فرهنگ ایرانی نقش پررنگ‌تر و کتاب‌های علوم کمترین نقش را داشتند.

مقاله "ادبیات ایرانی" با فراوانی ۴۲۱ مورد (۱۲/۸ درصد)، رتبه پنجم را از نظر معرفی ایران به خود اختصاص داده بود. بیشترین حضور این مقاله مربوط به کتاب‌های فارسی بود و ریاضی و علوم به طور مشترک سهم کمتری نسبت به سایر کتاب‌ها داشته‌اند.

مقاله "تاریخ ایران" با فراوانی ۳۵۶ مورد (۱۰/۸ درصد)، رتبه ششم را در بین این مقاله‌ها داشته است. بیشترین حضور این مقاله در تعلیمات اجتماعی و کمترین در علوم بود.

مقاله "هنرهای ایرانی" ۷۴ مورد (۲/۲ درصد) از سهم کل را به خود اختصاص داد و رتبه هفتم را در بین مقاله‌ها به دست آورد. حضور نمادهای "هنرهای ایرانی" در کتاب‌ها به ترتیب فراوانی؛ فارسی، تعلیمات اجتماعی، ریاضی، علوم و تعلیمات دینی بود.

در مجموع حضور نمادها در کتاب‌های درسی به ترتیب فراوانی؛ جغرافیای ایران، علایم رسمی ایران، شخصیت‌های ایرانی، فرهنگ ایرانی، ادبیات ایران، تاریخ ایران و هنرهای ایرانی بود (جدول ۳).

نتایج حاصل از بررسی فراوانی مقاله‌ها به تفکیک موضوعی کتاب‌های درسی، با توجه به یافته‌های جدول ۱ حاکی از آن است که بیشترین فراوانی حضور نمادهای ایرانی در کتاب‌ها متعلق به "تعلیمات اجتماعی" با فراوانی ۱۴۹۲ و سهم ۴۵/۲ درصدی از کل کتاب‌ها می‌باشد و "علایم رسمی ایران و جغرافیای ایران" بیشترین سهم حضور را داشتند. کتاب‌های "فارسی" دوره ابتدایی (۳۸/۶ درصد) و بیش‌ترین تأکید بر نمادهای "ادبیات ایرانی" بود.

کتاب‌های "ریاضی" با سهم ۹ درصدی و توجه بیشتر به نمادهای "جغرافیایی" و "علایم رسمی ایرانی" رتبه سوم را داشت.

کتاب‌های "تعلیمات دینی" با ۱۳۰ مورد فراوانی و با تکیه بیشتر بر معرفی "فرهنگ

ایرانی "رتبه چهارم را در بین پنج کتاب به خود اختصاص داده است. در کتاب‌های دوره ابتدایی، "علوم" تنها با ۱۰۷ مورد اشاره به نمادهای ایرانی رتبه آخر را به دست آورد. نکته قابل توجه این است که به مقوله تاریخ ایران در کتاب‌های علوم پنج پایه هیچ اشاره‌ای نشده است (جدول ۱).

۲. به چه میزان محتوای مجله‌های فارسی کودکان (منتشر شده در سال ۱۳۸۶) به نمادهای ایرانی پرداخته است؟

این سؤال در دو بخش سهم هر یک از نمادها به تفکیک چه میزان بوده است؟ و سهم هر یک از مجله‌ها چه درصدی از کل معرفی نمادهای ایرانی را به خود اختصاص داده‌اند؟ پاسخ داده می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که "جغرافیای ایران" با فراوانی ۳۸۲۴ مورد (۳۴/۶ درصد) بیشترین سهم معرفی نمادهای ایرانی را در محتوای مجله‌ها داشته است. کوشش و رشد کودک کمترین نقش در معرفی جغرافیای ایران را داشت.

مقوله "شخصیت‌های ایرانی" با ۲۵۵۲ مورد حضور، رتبه دوم را در معرفی نمادهای ایرانی داشتند و به این مقوله در مجله "سه چرخه" نسبت به سایر مجلات کمتر پرداخته شده است. مقوله "فرهنگ ایرانی" با فراوانی ۱۶۱۱ مورد (۱۴/۶ درصد)، در بین هفت مقوله رتبه سوم را در معرفی نمادهای ایرانی داشته است و مجله "رشد کودک" کمترین میزان معرفی فرهنگ ایرانی را به خوانندگان خود داشته است.

مقوله "ادبیات ایرانی" با ۱۰۷۳ مورد اشاره به نمادهای ایرانی برای معرفی ایران و سهم ۹/۷ درصدی رتبه چهارم را به دست آورده است.

مجله "کوشش" نقش کم‌رنگتری در معرفی نمادهای "ادبیات، علایم رسمی و تاریخ ایران" از میان مجلات مورد بررسی داشت.

مقوله "علایم رسمی ایران" با فراوانی ۹۰۲ مورد، ۸/۲ درصد از سهم کل معرفی نمادهای ایرانی را داشته است و رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.

مقوله "تاریخ ایران" با ۷۱۶ مورد حضور و سهم ۶/۵ درصدی، رتبه ششم را در میان هفت مقوله به دست آورده است.

مقوله "هنرهای ایرانی"، با ۳۶۴ مورد ۳/۳ درصد از سهم کل مقوله‌ها را در معرفی نمادها به



خود اختصاص داده است. مجله "رشد کودک" هیچ اشاره‌ای به هنرهای ایرانی نداشته است. در مجموع، سهم حضور نمادهای ایرانی در مجله‌ها به ترتیب فراوانی عبارت از جغرافیای ایران، شخصیت‌های ایرانی، فرهنگ ایرانی، ادبیات ایران، علائم رسمی ایران، تاریخ ایران و هنرهای ایرانی بوده است (جدول ۴).

یافته‌های حاصل از جدول ۲ که نمادهای ایرانی (کلیه مقوله‌ها) را به تفکیک مجله‌های فارسی کودکان مورد بررسی قرار داده است، نشان می‌دهد که نشریه "دوست کودکان" با فراوانی ۴۰۴۱ مورد (۳۶/۶ درصد)، بیشترین سهم حضور نمادهای ایرانی را داشته است. پس از آن به ترتیب سروش، پوپک، رشد نوآموز، رشد دانش‌آموز، ملیکا، شاهد، سه چرخه و رشد کودک قرار گرفته‌اند و سهم کمترین پرداختن به نمادها مربوط به مجله "کوشش" بود که تنها ۲۷۲ مورد اشاره به نمادهای ایرانی و سهم ۲/۵ درصدی را به خود اختصاص داد.

چنانچه مشاهده شد، سهم مجله "دوست کودکان" از نظر اشاره به نمادهای ایرانی بیشتر از سایر مجلات بود. نکته قابل توجه در ارتباط با این مجله، انتشار آن به صورت هفتگی است که توانسته با ارایه حجم بیشتر مطالب، در فاصله‌های زمانی کوتاهتر اطلاعات بیشتری را به کودکان عرضه کند.

در مقابل فصلنامه "کوشش" قرار دارد و به دلیل این که تنها چهار شماره از آن در سال منتشر می‌شود، مجال کمتری برای پرداختن به مسایل و عمیق شدن در آن‌ها از جمله نمادهای ایرانی داشته است. بررسی مجله‌های سه گانه (رشد کودک، نوآموز، دانش‌آموز) نیز قابل تأمل است. نوشته‌های این مجله‌ها بر اساس کلمات و ترکیب‌های به کار رفته در کتاب‌های درسی می‌باشد؛ اما توجه به یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباط منطقی بین این مجله‌ها در میزان توجه به نمادهای ایرانی وجود ندارد و با این که این مجله‌ها بر پایه افزایش دادن دایره لغات و دانش کودکان از طریق ارایه مطالبی همچون رویدادهای ملی و میهنی و دینی، قصه و داستان، تعلیمات اجتماعی و رفتارهای اجتماعی که در سه مجموعه مشترک است تهیه می‌شوند، اما "رشد دانش‌آموز" نسبت به "رشد نوآموز" کمتر به نمادهای ایرانی پرداخته است.

۳. میزان پرداخت کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به نمادهای ایرانی در مقایسه با مجله‌های فارسی کودکان چگونه است؟

از اولویت‌بندی نمادها در مجله‌ها و کتاب‌ها که با هم مقایسه می‌شوند، این گونه بر می‌آید

که تنها در برخی از موارد مشترکاتی وجود دارد و رتبه‌بندی پرداختن به نمادها در دو منبع به یک شکل نیست. مقوله "جغرافیای ایران" حضور پررنگتری نسبت به سایر مقوله‌ها داشته است؛ به طوری که در هر دو منبع در رتبه نخست قرار گرفته است.

رتبه دوم در مجله‌ها مربوط به مقوله "شخصیت‌های ایرانی" بوده است. شخصیت‌های ادبی در محتوای مجله‌ها بیشتر از شخصیت‌های سیاسی، قهرمانان ملی و میهنی و شخصیت‌های علمی و ورزشی معرفی می‌شوند. این در حالی است که در کتاب‌ها معرفی بزرگان سیاسی نسبت به سایرین بیشتر بوده است. نکته مشترک کم توجهی هر دو منبع در پرداختن به شخصیت‌های ورزشی و علمی است.

"فرهنگ ایرانی" در مجله‌های فارسی رتبه سوم را دارد و بیشتر از طریق معرفی رسم و رسومات ایرانی و نمادهای فرهنگ ایرانی نشان داده شده است. در کتاب‌ها، فرهنگ ایرانی رتبه چهارم را به دست آورده است و بیشتر به باورهای عامه پرداخته شده است.

غذاهای ایرانی در کتاب‌ها و پوشش ایرانی در مجله‌ها کمترین حضور را داشته است. در مجموع سهم پوشش، غذاها و سوغات ایرانی در هر دو منبع چندان قابل توجه نیست. به نظر می‌رسد معرفی فرهنگ ایرانی از طریق شناساندن غذاها، لباس‌ها و حتی سوغاتی‌های مناطق مختلف کشور تنها در حد یک عقیده می‌باشد و به درستی به آن پرداخته نشده است.

مقوله "ادبیات ایرانی" در مجله‌ها رتبه چهارم و در کتاب‌ها رتبه پنجم را دارد. در هر دو منبع به طور مشترک با معرفی آثار ادبی، پس از آن اسطوره‌ها و سپس ادبیات محلی، نمادهای ایرانی در بحث ادبیات مطرح شده است.

"علائم رسمی ایران" در مجله‌ها رتبه پنجم و در کتاب‌های درسی رتبه دوم را به دست آورده است. به پرچم ایران و تقویم رسمی کشور و پول رایج کشور در کتاب‌ها و در مجله‌ها توجه شده است. سهمی که سرود ملی در هر دو منبع در معرفی نمادهای ایرانی به خود اختصاص داده، بسیار کم بوده است.

"تاریخ ایران" مقوله‌ای است که در هر دو منبع رتبه ششم را به دست آورده است. بررسی واحدهای ثبت این مقوله نشان می‌دهد که اشیای تاریخی کمترین نقش را در معرفی نمادهای تاریخی داشته است و برخلاف توجه بیشتر به دوره‌های تاریخی در کتاب‌های درسی، مجله‌ها به صورت پررنگتری به ابنیه تاریخی پرداخته‌اند.



"هنرهای ایرانی" حضور بسیار کم‌رنگی در مجله‌ها و کتاب‌ها داشته است؛ به طوری که در هر دو منبع کمترین فراوانی را دارند و کودکان ما، هم در کتاب‌ها و هم در مجله‌ها با هنرهای ایرانی با کمترین اشاره مواجه می‌شوند. به گونه‌ای که رتبه هفتم برای هنرهای ایرانی در هر دو منبع به دست آمده است. سهم موسیقی ایرانی تنها با اشاره ۸ موردی در کتاب‌ها و ۲۶ مورد حضور در مجله‌ها بسیار کم‌رنگ بوده است (نمودار ۱).

در مجموع از مقایسه حضور نمادهای ایرانی، از ۲۸ مورد واحد ثبت، ۱۴ مورد اشتراک رتبه‌بندی و از هفت مقوله، سه مورد وجه اشتراک رتبه‌بندی (رتبه‌های اول، ششم و هفتم) به دست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

برای رسیدن به موضوع اصلی تحقیق، یعنی بررسی و تحلیل محتوای مؤلفه‌های نمادهای ایرانی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و مجله‌های فارسی کودکان و میزان توجه به هر یک از نمادها، مقایسه‌ای بین این دو منبع انجام داده شد که در جداول و نمودارها آمده است.

تحلیل‌ها نشان داد، کتاب‌ها و مجله‌های ما برای معرفی شخصیت‌های بزرگ کشور توانسته است از بزرگان ادبی و سیاسی بیشتری استفاده را ببرد. اگر چه این توجه قابل تقدیر و احترام است، اما لزوم ایجاد تعادل نیز دیده می‌شود. برای مثال سهم حضور شخصیت‌های ورزشی و علمی در هر دو منبع بسیار پایین است. در کتابی مانند علوم که می‌تواند به راحتی شخصیت‌های علمی را در قالب بحث‌های علمی پررنگ کند، با کمترین معرفی (۱۳ مورد فراوانی) مواجه می‌شویم. به نظر می‌رسد در این زمینه مجله‌ها توانسته‌اند خلاء موجود در کتاب‌ها را پر کنند.

در زمینه هنرهای ایرانی، در حالی که در اقصی نقاط جهان، بسیاری از افراد با اشاره به فرش، گلیم، گبه، قالی و جاجیم، مینیاتور و یا شنیدن آوای موسیقی از سازهایی چون نی، دایره، سنتور و دهل به یاد ایران و ایرانیان می‌افتند؛ متأسفانه نه تنها در کتاب‌های درسی نسبت به هنرهای ایرانی بی‌مهری شده است، حتی مجله‌ها نیز نتوانسته‌اند به عنوان یک مکمل خوب عمل کرده، این کمبود را جبران کنند. باورهای عامه، میهن پرستی و عشق به سرزمین در فرهنگ ایرانی جایگاه مناسبی در هر دو منبع داشته است. برای مثال به نوروز، معرفی هفت

سین، جشن‌های ملی و مذهبی به طور مشترک به میزان مناسبی اشاره شده است، اما بازی‌های محلی و خرده فرهنگ‌های منطقه‌ای سهم چندانی نداشته‌اند و به غذاها و سوغات‌های ایرانی به مواردی همچون سوهان، گز، گلاب و نان خرمايي به طور گذار اشاراتی شده است. این در حالی است که به ویژه در مجله‌ها از طریق سفرنامه، معرفی آداب و رسوم و عادات، شهرها و قوم‌های مختلف، هم کودک می‌توانست با فرهنگ منطقه خود به طور خاص و هم با مجموعه‌ای به نام فرهنگ ایرانی بیشتر آشنا شود.

یکی از علایم رسمی ایرانی، نماد با ارزشی همچون پرچم می‌باشد و در کنار آن سرود ملی است که عظمت کشور را بازتاب داده، احساس وحدت و همبستگی را در میان افراد یک ملت افزایش می‌دهد. اما هم در کتاب‌ها و هم در مجله‌ها به سرود ملی کشور، آن گونه که باید اشاره‌ای نشده است؛ به طوری که تنها در کتاب فارسی کلاس پنجم درسی به سرود ملی اختصاص یافته است. این در حالی است که به نظر پژوهشگر از همان کلاس اول و در پی اجرای مراسم پرچم و سرود، باید کودکان به طور پیوسته با این مفهوم مهم آشنا شوند تا به مرور زمان برایشان پررنگتر و با ارزشتر شود.

در کتاب‌های درسی به این دلیل که برای دانش‌آموزان تمام مناطق کشور به صورت مشترک و با یک متن منتشر می‌شود، امکان چندانی برای پرداختن به ادبیات محلی و یا اسطوره‌های منطقه‌ای وجود ندارد. اما انتظار می‌رفت مجله‌ها که چنین محدودیتی را نداشتند بیشتر به این مسأله بپردازند. در حالی که تنها در یک مجله در هر شماره به افسانه‌های هر قوم به عنوان مثال لری، آذری و ... اشاره شده بود که در آن کمتر هم به واژه‌های خاص آن منطقه پرداخته شده بود.

شهرها و روستاهای ما در دو منبع به میزان قابل قبولی به کودکان معرفی شده‌اند. اما محصولات شهرها و مناطق مختلف کشور (جغرافیای اقتصادی) که در برخی موارد برای ایرانیان در اقصی نقاط جهان یادآور ایران و ایرانیان است، چندان مطرح نمی‌شود. برای مثال به طور گذرا به مواردی همچون گلاب کاشان، پالایشگاه‌های نفت در عسلویه و چای گیلان اشاره شده است.

با این حال آموزش و پرورش می‌تواند در معرفی نشریات کودکان بسیار تأثیرگذار باشد. اگر هر مدرسه فقط یک مجله بخرد و در کتابخانه‌اش بگذارد، بهتر از آن است که هیچ



نشریه‌ای در کتابخانه‌های مدارس نباشد. متأسفانه نشریات در کشور ما در سبب خانوارهای ایرانی جایی ندارند و اگر هم جای داشته باشد، بسیار اندک است و تنها مجله‌های رشد (متعلق به آموزش و پرورش) به راحتی در مدارس کشور توزیع می‌شود.

در کشورهایی نظیر انگلستان، استرالیا، زلاند نو، آمریکا و سوئد تولید کتاب‌های درسی غیر متمرکز است. به این روش اغلب یک برنامه ملی درسی اعلام می‌شود که هدف‌های آن روشن است و مدارس می‌کوشند به هدف‌های برنامه ملی نزدیک شوند. هیچ الزامی برای این که از یک کتاب درسی واحد برای رسیدن به این هدف‌ها کمک بگیرند، وجود ندارد. از این رو معلم از بین منابع زیادی که در اختیار دارد، گزینش می‌نماید و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. اما در ایران شیوه تدریس متمرکز است. در سراسر کشور و در مناطق مختلف جغرافیایی کتاب‌های واحدی تدریس می‌شود. تفاوت‌هایی میان رتبه‌های به دست آمده در کتاب‌های دوره ابتدایی و مجله‌های فارسی کودکان در پرداختن به نمادهای ایرانی (هر چند که رابطه‌ای مشخص را نمی‌توان به وضوح پیدا کرد) وجود داشته است.

با توجه به این مسأله باید سعی شود تا زمانی که همین شیوه تدریس ادامه دارد، از معرفی و استفاده از منابع کمک درسی که هم کودک را به مطالعه و شناخت محیط تشویق می‌کند و هم او را برای یادگیری عمیق مطالب علمی، اجتماعی و ... یاری می‌دهد، در کلاس درس و پس از آن دیگر محیط‌های فرهنگی و آموزشی بهره گرفت.

در نگاه کلی، بر اساس نتایج به دست آمده و مقایسه با مواردی که در پیشینه به آن اشاره شد، به نظر می‌رسد که توجه به هویت ملی و نمادهای ایرانی در کتاب‌ها و مجله‌ها جهت‌دار و هدفمند نیست. برنامه‌ریزی خاصی برای ایجاد ارتباط بین نمادها در این دو منبع وجود ندارد؛ به طوری که اشاره به یک نماد توجه به نمادهای دیگر را فراهم نمی‌کند و همچنان بحث توجه و معرفی نمادهای ایرانی به صورت کارشناسانه مورد توجه واقع نشده است.

پیشنهادها

از آن جایی که پژوهش حاضر با عملکرد طراحان و برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی و مجله‌های کودکان مرتبط است، بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاداتی برای تقویت موضوع معرفی نمادهای ایرانی ارائه می‌گردد.

در محتوای کتاب‌های درسی و مجله‌های کودکان توجه به نمادهایی چون هنرهای ایرانی و تاریخ ایران خالی است. گنجاندن بخش‌هایی که به طرق مختلف کودکان را با این نمادها آشنا سازد، احساس می‌شود.

مجله‌ها راهکارهای مختلفی جهت ارایه مطالب به خوانندگان خود دارند. توجه بیشتر به هر یک از این بخش‌ها جهت معرفی ایران و پرداختن به نمادهای ایرانی به مسؤولان در تهیه مجله‌های کودکان پیشنهاد می‌شود.

برنامه‌ریزی هدفمند برای گنجاندن مطالبی که بتواند از جنبه‌های مختلف به فرهنگ ایرانی اشاره داشته باشد؛ به گونه‌ای که کودکان از جنبه‌های مختلف با آداب و رسوم، جشن‌ها و مراسم‌های ملی و محلی، لباس‌ها و غذاهای هر منطقه و جنبه‌های کلی خرده فرهنگ‌ها آشنا شوند.

برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با ادبیات محلی خود، در کلاس‌های درس از دانش‌آموزان خواسته شود بخش‌هایی از کتاب را به زبان و یا لهجه محلی خود ارایه کنند.

ایجاد ارتباط محتوایی مناسب بین مطالب دروس یکسان در پایه‌های مختلف؛ به این معنی که بالا رفتن پایه‌های درسی نه تنها سبب حذف بعضی از نمادها نشود، بلکه متناسب با رشد سنی کودک ارایه آن‌ها پرننگتر و هدفمندتر گردد.

غیر از مجله‌های رشد که در سطح تمامی مدارس توسط آموزش و پرورش توزیع می‌شود، در خلال آموزش‌های کلاسی مجله‌های مناسب دیگر نیز معرفی شود.

پیشنهاد می‌شود متناسب با محتوای هر کتاب، مجله‌هایی معتبر که مطالبشان با اهداف کتاب‌ها سازگاری دارند، در بخش پایانی هر کتاب معرفی شوند.

فراهم کردن امکان مشترک شدن مجله‌هایی غیر از مجله‌های رشد که سازمان آموزش و پرورش منتشر می‌کند تا این که مجله‌های دیگر هم به مدارس راه پیدا کنند و امکان اشتراک مجله‌های متنوع‌تری برای کودکان فراهم شود.

توصیه می‌شود که در کتاب‌های تاریخ دوره‌های ابتدایی، جایگاه شایسته‌ای به هویت ملی و ایرانی و عناصر تشکیل دهنده هویت اقوام (ارزش‌ها، آداب و رسوم، پوشش و ...) اختصاص داده شود.

برای ترویج شناخت و تحول هویت‌ها در راستای رشد و اعتلای کودکان، کتاب‌های



اختصاصی تألیف گردند و به عنوان کتاب مکمل، مورد استفاده قرار گیرند. البته می‌توان در این زمینه از انتشار مجله‌هایی کمک گرفت که به طور خاص برای رفع این نیاز منتشر می‌شوند. بنا به ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی هر استان، منابعی تهیه شود و همراه با نقشه‌های مردم‌شناسی ایران در اختیار دانش‌آموزان و اولیای آنان قرار گیرد تا به طور جامع‌تری با نمادهایی که به استان و منطقه آن‌ها قرار دارد، آشنا شوند. حضور دایمی نمادهای ایرانی نظیر پرچم و نقشه در کلاس‌های درس جهت شناخت هر چه بهتر و القای مفاهیم ملی‌گرایی و تعمیق عواطف میهن‌پرستی پیشنهاد می‌گردد. برخی از نمادهای ایرانی که می‌توانند در قالب تصویر ارائه شوند، در صفحاتی از مجله‌ها و کتاب‌ها پیوسته و به صورت پررنگ گنجانده شود.

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۳). *ایران: هویت، ملیت، قومیت*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ایمانی، م.، و مظفر، م. (۱۳۸۳). تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان و کتاب کار پایه دوم دبستان چاپ سال ۱۳۸۱ در مقایسه با تعلیمات دینی چاپ سال ۱۳۸۰. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۳(۷)، ۱۱۵-۱۴۲.
- بهاء‌لو، م. (۱۳۸۷). *بررسی جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی رشته‌های ریاضی و فیزیک و علوم تجربی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی)*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.
- جهانشاهی، ا. (۱۳۸۴). *محصولات کمک آموزشی: معرفی انتشارات آموزشی ناشر مجلات پیک-جزیره دانش*. بازیابی ۱۷ آبان ۱۳۸۷ از <http://www.jazirehdanesh.com/printme-6.117.209.fa.htm>
- حسین‌زاده، م. (۱۳۷۰). *تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان: از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی (ج ۱)*. تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- حسین‌نیا، س. (۱۳۷۶). *بررسی وضعیت مجلات فارسی برای کودکان پیش‌دبستانی در ده سال ۱۳۶۵-۱۳۷۴ در ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی)*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.
- درانی، ک. (۱۳۷۴). *درامدی بر تجزیه و تحلیل محتوی (فن تعبیر و تفسیر نظارت)*. *فصلنامه دانش مدیریت*، ۳۱ و ۳۲، ۲۵-۳۴.
- روشه، گ. (۱۳۶۷). *کنش اجتماعی: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی*. ترجمه ه. زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- زمانی، ف. (۱۳۷۰). *بررسی روند ترجمه در نشریات کودکان و نوجوانان ایران در طول پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۳-۱۷)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران.
- سرمد، ز.، بازرگان، عباس.، و حجازی، ا. (۱۳۸۰). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.



- شیخاوندی، د. (۱۳۸۲). *بازتاب هویت اقوام ایرانی در کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی*. ناشر: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران.
- صادق‌زاده، ر. (۱۳۸۶). *بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی)*. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران.
- صافی، ا. (۱۳۸۶). *آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- صالحی عمران، ا. (۱۳۸۶). *بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه مازندران، بابلسر.
- فتاحی، رح. ا.، منصوریان، ی.، ارسطوپور، ش. (۱۳۸۵). *مدیریت نشریه‌های ادواری: جنبه‌های نظری و کاربردی در گزینش، فراهم آوری، سازماندهی و ارائه خدمات ادواری (چاپی و الکترونیکی) (ویرایش ۲)*. تهران: انتشارات دبیزش.
- کرپندورف، ک. (۱۳۸۳). *تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی*. ترجمه ه. نایی. تهران: نشر نی.
- کاشفی خوانساری، ع. (۱۳۸۰). *کتاب کودک و نوجوان در اولین و دومین نشریه تخصصی در ایران. کتاب ماه کودک و نوجوان*. ۴ (۴۱ و ۴۲)، ۸۵-۸۳.
- ماهوئچیان، ش. (۱۳۵۳). *سیری در مجله‌های کودکان ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی)*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.
- مجدفر، م. (۱۳۸۲). *بایدها، در مطبوعات کودکان و نوجوانان*. همشهری. شماره ۳۲۵۲.
- محمدی، ع. (۱۳۸۵). *آیا رسانه‌ها بازتاب هویت و فرهنگ مردم هستند؟ رسانه، ۱۷ (۳)، ۱۱۷-۱۰۹*.
- مدیر شانه چینی، م. (۱۳۸۰). *تمدن ایرانی، ویژگی‌ها و امتیازات. فصلنامه مطالعات ملی، ۲ (۷)، ۱۶۳-۱۵۵*.
- نادران، ا.، و عبدی، گ. (۱۳۸۰). *جایگاه مطبوعات در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی. رسانه، ۱۲ (۱)، ۸۱-۷۴*.
- نظری، ب. (۱۳۸۳). *بررسی محتوای کتاب‌های دینی و انطباق آن با اهداف تعیین شده از نظر دانش‌آموزان و معلمان مقطع راهنمایی تحصیلی شهر تهران*. (جواد پورکریمی، همکار) (پایان‌نامه). تهران: گروه پژوهشی علوم تربیتی جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران.

نوروزی، د.، و صالحی، ا. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی درسی / ابتدایی. تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

- Bardin, L. (1983). *Title L'analyse de contenu*. Paris: Presses Universitaires de France..
- Holsti, O. R. (1969). *Title Content analysis for the social sciences and humanities*. New York: Addison-Wesley Pub. Co.
- Hyo-jeong, K. (2004). National Identity in Korean Curriculum [Online]. Available from: URL: http://www2.education.ualberta.ca/css/css_38_3/ARKim_national_identity_korean.htm/
- Jackson, T. J. (2006). Were the Colonials Americans? History Curriculum and National Identity Construction for Immigrant Children in Southeast Los Angeles [Online]. Available from: URL: http://www.dominican.edu/query/ncur/display_ncur.php?id=158/
- Lee, B. J. (2003). *Education and National Identity. Policy Futures in Education*, 1(2), 332-41
- Siriwardena, R. (2002). National Identity Content of Education and Ethnic. Perceptions [Online]. [cited 2008 Oct 15]; Available from: URL: http://www.sangam.org/ANALYSIS/national_identity.htm/

A comparative content analysis of covering iranian symbols in primary school textbooks and persian children journals

*R. Baradar**, *S. Gholami***

Abstract

The purpose of this study was to compare the content of primary school textbooks and Persian children journals regarding Iranian symbols. The statistical population contained all primary school textbooks and Persian children journals published in the academic year of 2007-2008. According to the results, the textbooks were ranked based on the frequency of emphasis on Iranian symbols as sociology, literature, mathematics, theology, and science textbooks. On the other hand, Iranian symbols in primary school textbooks were ranked as "geography of Iran", "official signs of Iran", "Iranian characters", "Iranian culture", "Iranian literature", "history of Iran", and "Iranian arts". Among Persian children journals, Dooste Koodakan, Soorosh, Poopak, Roshd Nooamoz, Roshd Daneshamooz, Melika, Shahed, Secharkhe, Roshd Koodak, and Koshesh included the highest frequency of considering Iranian symbols. In addition, the first to seventh ranks of Iranian symbols in Persian journals Belonged to "geography of Iran", "Iranian characters", "Iranian culture", "Iranian literature", "official signs of Iran", "history of Iran", and "Iranian arts". In both sources, the geography of Iran was the most emphasized domain while the history of Iran and Iranian arts were considered the least. Other contents were different in ranking. Finally, based on the obtained results, some suggestions were delivered to better introduce Iranian symbols in textbooks and children journals.

Key words:

Iran, Content analysis, Primary school, Textbooks, Symbols, Children journals

* Associate Professor, Department of Library and Information, School of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

** MSc, Department of Library and Information, School of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran
Email: gholami852@gmail.com